



تاثیر تکنولوژی و تعاملات فرهنگی در طراحی موزه برای جهان اسلام

در

شهر مقدس مشهد)

بشار رشید الحجار^۱، محسن وفامهر^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه فردوسی مشهد (bashar_alhajar@yahoo.com)

۲- استاد و هیات علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد و عضو هیات علمی وابسته دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه

فردوسی مشهد (Dr.vafamehr @ iau.ac.ir)

⋮

چکیده

جوامع مذهبی اغلب دارای گزینه ها و نمادهای سنتی فراوانی هستند که در همه شهرهای مذهبی یافت می شود، اما با افزایش جمعیت شهرها، این نمادها و بناها جای خود را به نظریه های جدیدی دادند که این عمل باعث فاصله گرفتن روابط انسان ها با دنیا شده است. هنر اسلامی با ویژگی های منحصر به فرد خود بخشی از تاریخ هنر ماست و برای ارائه، حفظ و نگهداری آن به موزه نیاز است. موزه های هنر اسلامی یکی از انواع مهم موزه ها هستند که مبنای کارکردهای فوق در رابطه با آثار هنرمندان اسلامی است که در حین ارائه، معرفی و ارائه آثار هنرمندان اسلامی صورت می گیرد. اولین موزه هنرهای اسلامی ایران، موزه اسلامی تهران است که با توجه به رشد روزافزون حوزه هنری و تعداد روزافزون هنرمندان و کمبود چنین فضاهایی به شدت احساس می شد که باید در هر مرکز استان به ویژه در کلان شهرها موزه هنر اسلامی ایجاد شود. یکی از کلانشهرهایی که به عنوان قطب فرهنگ اسلامی در ایران شناخته می شود شهر مشهد است و نیاز به این موزه در این شهر احساس می شود. یکی از این تعاریف نقش موزه در گسترش سطح تعاملات فرهنگی است. تعاملات فرهنگی در فضای عمومی مهم است و موزه ها به عنوان فضاهای عمومی شهری نقش مهمی در نهادینه سازی فرهنگ شهروندان به عنوان استفاده کننده را دارند. از این رو توجه به گسترش تعاملات فرهنگی از اصول مهم در طراحی موزه هنرهای اسلامی است. این پژوهش از روش پژوهش توصیفی تحلیلی و جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای، اسنادی و میدانی از طریق پرسشنامه استفاده شده است. در این تحقیق عوامل طراحی معماری موثر بر تعاملات فرهنگی ملل مسلمان با توجه بر تکنولوژی مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: تعامل فرهنگی، پایتخت فرهنگی، موزه، جهان اسلام، تکنولوژی

۱- مقدمه

موزه به مکانی شاخص و ویژه گفته می شود که مجموعه ای از آثار هنری، باستانی، صنعتی و اشیاء گران بها در آن نگهداری، حفظ و به نمایش گذاشته می شود. موزه یک موسسه دائمی بوده و بی آنکه اهدافی مالی داشته باشد پذیرای همگان بوده و در جهت رشد و تعالی جامعه و فرهنگ آن گام برداشته و تلاش می کند.



هنر اسلامی با ویژگی‌های منحصر به فرد خود بخشی از تاریخ هنر ماست و برای ارائه، حفظ و نگهداری آن به موزه نیاز است. ارائه، نگهداری، تحقیق و آموزش در رابطه با مجموعه‌ها و آثار هنری از وظایف اصلی موزه‌ها است و موزه‌های هنر اسلامی یکی از انواع مهم موزه‌ها هستند که مبنای کارکردهای فوق در رابطه با آثار هنرمندان اسلامی فعالیت می‌کنند [۱].

هدف اساسی موزه‌ها افزایش معرفت انسانی بوده و بهترین و مناسب‌ترین ابزاری است که به این هدف جامه عمل پوشانده است. موزه‌ها همواره در حال معرفی بر اساس پژوهش‌ها و شناخت گذشته جهت بهتر ساختن زندگی آیندگان هستند. از این رو این عمل به طرق مختلف در موزه انجام می‌گیرد و متأسفانه آنچه در ایران کمتر به آن پرداخته شده است بیان روابط فرهنگی جوامع مختلف است.

به گزارش ایکوم، موزه مکانی است که همزمان و مستمر تحقیقات، حفاظت و معرفی میراث فرهنگی، تاریخی و طبیعی در آن انجام می‌شود. یکی دیگر از اهداف موزه‌ها این است که به بازدیدکنندگان فرصت بهره‌مندی از آن را بدهند. بنابراین موزه مؤسسه‌ای غیرانتفاعی و دائمی در خدمت جامعه و توسعه آن است که به روی عموم باز است و از طریق ارائه، امکان ارتباط عمومی با این میراث را فراهم می‌کند. [۱]

وجود این گونه از فضاهای جمعی، نقش بسیار مهمی در جذب افراد و حضور آنها در شهرها، فراهم آوردن فرصت‌های تعامل و پاسخ‌های اجتماعی و ایجاد خاطره جمعی مشترک و احساس تعلق به فضا دارد. فضاهای جمعی جدای از جنبه فیزیکی، نوعی فضای ادراکی و نمادین است که دارای ویژگی نظام‌مند و ترکیبی است، پیوندی ناگسستنی با زمان اجتماعی و فرهنگ اجتماعی دارد و درک آن بر نسبت فرهنگی و اجتماعی جامعه تأثیر می‌گذارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این فضاها حامل میراث تاریخی و فرهنگی جامعه هستند. فضای عمومی یا جمعی یک جهان‌نهادی و مادی مشترک و فضای مانعی است که امکان حضور مشترک را فراهم می‌کند و روابط متقابل بین افراد را تنظیم می‌کند.

در این پژوهش بر روی معماری زمینه‌محور مطالعه و پژوهش شده است. معماری زمینه‌محور که بر مدار و ارتباط محیط با فضا تأکید دارد و با درک پیام بافت آن و در واقع تحقق و طراحی پیامی که بافت معماری به آن می‌رساند شکل می‌گیرد و هر بنا بر اساس بافت‌های فرهنگی تاریخی است. جامعه اجتماعی و اقلیمی و شرایط خاص سایت و ساختمان طراحی و اجرا می‌شود. بنابراین می‌توان از محوطه اطراف موزه به عنوان الحاقیه استفاده کرد. [۲]

۲- پیشینه پژوهش

لنگری زاده (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تبیین جایگاه موزه‌ها در ترویج هویت و فرهنگ ایرانی-اسلامی» می‌گوید: کشور ایران به دلیل قدمت خود دارای فرهنگ واقعی است. امروزه با ورود فرهنگ‌های بیگانه و عدم شناخت و آگاهی از این تمدن غنی، شاهد تغییرات تدریجی و مستمر در این عرصه هستیم. روند آگاهانه طرح‌های توسعه شهری از جمله طرح‌های معماری می‌تواند این تغییر را در جهت مطلوبی هدایت کند. موزه‌ها به دلیل نقش آموزشی خود می‌توانند نقش مهمی در شناخت فرهنگ و تمدن یک کشور داشته باشند. در این زمینه تأثیر آموزشی انواع موزه‌ها بررسی شده و بهترین نمونه‌ها و راهکارها ارائه شده است و اشاعه فرهنگ اصیل ایرانی در خارج از این کشور مد نظر قرار گرفته و گامی بلند در جهت ارتقای فرهنگ ایرانی اسلامی و هویت بخشیدن به جامعه است. [۲]

دشتی زاده و جوانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «هنر اسلامی در موزه‌های غرب: نقدی بر رویکرد شرق‌شناسانه» می‌نویسند: با توجه به اختصاص چند موزه جهان به نمایشگاه هنر اسلامی و حجم بالای تحقیق و نگارش در این زمینه در خارج از مرزهای کشورهای اسلامی، هم‌اکنون نیاز به جریان یافتن رویدادهای علمی، فرهنگی و دانشگاهی مرتبط با اسلام احساس می‌شود. موزه‌های هنری؛ احساس می‌کند پژوهش حاضر به دنبال رویکردی انتقادی به بازنمایی هنر اسلامی در موزه‌های بزرگ جهان است تا پیامدهای بکارگیری رویکرد شرق‌شناسی در موزه‌های هنر اسلامی و نقش موزه به‌عنوان نهادی دانش‌آفرین در شکل‌گیری شناسایی شود [۳].

شجاعی و شابانفر (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی موزه هنرهای اسلامی در شهر مشهد» می‌نویسند: با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان گفت هنر معماری بیان‌کننده نحوه اندیشیدن و جهان‌بینی، اعتقادات مذهبی، باورها و سنت‌های



مردم هر سرزمین است. در طراحی فضاهای موزه هنرهای اسلامی، از عناصر خاص معماری اسلامی، تزیینات استعاره‌گرا همچون طاق، قوس یا گره جهت الهام گرفتن از گذشته، استفاده از مصالح آجری، چوبی یا جزییات سنتی جهت توجه به هویت مکانی، اشاره مستقیم به برخی فرم‌ها و فضاهایی که ریشه در فرهنگ منطقه و سنت معماری آن دارند استفاده می‌شود. [۴]

فراتی (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «موزه هنرهای اسلامی. فرم، ادراک، محیط» بیان می‌کند: جوامع اسلامی دارای یک نظام متمایز بوده اما در زمینه‌های فرهنگی دارای ارزش‌ها، باورها و نگرش مشترکی هستند. این اشتراکات به وسیله هنر معماری و نهادهای اجتماعی به صورت متعارف بیان می‌شود. این پژوهش بیان می‌کند که در چند سال اخیر توجه به حفظ هویت اسلامی در محدوده خلیج فارس و کشورهای اسلامی حوزه آن بسیار مورد بحث و اهمیت قرار گرفته است. کشورهای عربی با تبدیل ساختمان‌های تاریخی و مهم به موزه و یا به کارگیری سبک‌های جدید معماری بومی در طراحی موزه‌های جدید، بر این مهم تاکید دارند [۵].

محبوب رشید (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «معماری اسلامی: معماری زودگذر» می‌نویسد: این پژوهش مقدمه‌ای بر معماری جهان اسلام است و از شباهت سبک‌های معماری منطقه‌های مختلف توسط مسلمانان صحبت می‌کند و به بررسی عناصر مهم تزئینات در هنر معماری می‌پردازد که به نوع خود یکی از عوامل مهم در وحدت هنر معماری در جهان اسلام است [۶].

۳- روش شناسی پژوهش

روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات آن به صورت کمی و کیفی جمع‌آوری شده است و با کمک مطالعات کتابخانه‌ای، میدانی و اینترنتی انجام می‌پذیرد. در این پژوهش با روش بررسی‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و با استفاده از مقالات علمی معتبر، کتاب‌ها و سایر پایگاه‌های اطلاعاتی قسمت‌های سوابق تحقیقاتی مورد جستجو و بررسی قرار گرفت و نیز روش‌های میدانی مانند پرسش‌نامه استفاده شده است. در گام دوم و به جهت بالا بردن کیفیت پژوهش تصمیم بر طراحی پرسش‌نامه‌ای تخصصی گرفته شد تا بتوان به کمک آن جزئیات بهتر و طراحی نزدیک‌تری نسبت به احساس افراد و مراجعین موزه تعاملات فرهنگی ملل مسلمان انجام داد. جامعه آماری تحقیق پیش رو شامل سه دسته می‌باشد.

در این بین دسته اول که در ابتدا مورد پرسش قرار گرفته‌اند، دانشجویان تخصصی رشته معماری هستند که بیشتر آن‌ها در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مشغول به فعالیتند.

دسته دوم که جامعه آماری وسیع‌تری را در برمی‌گیرد، شامل گروهی از افراد عادی جامعه می‌باشد که در زمینه معماری تخصصی نداشته و برداشت بصری، آزاد و حسی آن‌ها در این پژوهش تأثیرگذار خواهد بود.

دسته سوم اما جامعه خاص‌تری را در بر می‌گیرد. در این دسته صرفاً افراد مسلمان مقیم و ساکن خارج از ایران، که معمولاً در موارد بسیاری از نظر فرهنگی با مسلمانان ایرانی اتفاق نظر و مشابهت‌هایی دارند و بنا به شرایط فرهنگی، آداب، رسوم و نحوه زندگیشان تصویری از فرهنگ اسلامی و تعاملات فرهنگی را بازگو می‌کنند، مورد پرسش قرار می‌گیرند. خاص بودن این دسته بدان جهت است، زیرا که به طور کلی این دسته کاربران اصلی این موزه هستند و با توجه به شرایطی که در کشورهای دیگر تجربه می‌کنند به دنبال کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های دینی، عقیدتی، رفتاری و فرهنگی خواهند بود و مهم‌تر از همه افراد در چنین شرایطی به دنبال کشف و پیدا کردن ریشه‌های مشترکی بین کشور خود و کشورهای دیگر خواهند بود.

پس از جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۲۶ صورت گرفت.

۴- مبانی نظری تحقیق

۴-۱- فرهنگ

فرهنگ به معنای علم و دانش، ادب و معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت و نیز کتاب لغت، کتابی شامل لغات یک‌زبان و شرح آن‌هاست. فرهنگ را می‌توان به فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی تقسیم‌بندی کرد. فرهنگ مادی به مجموعه‌ای از پدیده‌ها اطلاق می‌گردد که محسوس و ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین علمی و کمی است، مانند فنون،



ابزارهای کاربردی و تولیدی، وسایل و آثار معماری. فرهنگ غیرمادی به موضوعات و مسائلی گفته می‌شود که به موازین کمی قابل اندازه‌گیری نیست و به آسانی نمی‌توان آن‌ها را مقایسه و ارزیابی کرد، مانند: معتقدات، ضوابط خویشاوندی، زبان، هنر، ادبیات و رسوم که در واقع هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می‌دهد و به تبع از دست دادن یا به عاریت گرفتن آن ضایعه‌ای است که قومیت یک گروه اجتماعی را تهدید می‌کند. اگرچه به هم‌پیوستگی فرهنگ مادی و غیرمادی به‌ظاهر مشخص نباشد، ولی این پیوند و تاثیر، به تدریج و با توجهی اندک برملا می‌شود [۳].

۲-۴- هویت فرهنگی

هر گروه اجتماعی دارای تاریخ، ضوابط خویشاوندی، شیوه اقتصادی، مقررات مناسک اعتقادی، زبان، ادبیات و هنر مختص به خود است. این خصوصیات که فرهنگ یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌کند، معرف شناسنامه فرهنگی آن جامعه است [۴]. به عبارت دیگر گذشته تاریخی، حماسه آباد و اجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها و سنت‌های طایفه‌ای، مفاخر ملی، هنر و ادبیات موروثی، هویت فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهد. هر جامعه‌ای معمولاً در همه‌جا و همه‌وقت بر اصالت هویت فرهنگی خود تأکید می‌کند و می‌کوشد که با قدرت و غرور مشخصه‌های این هویت را زنده نگه دارد و از آن دفاع کند.

۳-۴- تعامل فرهنگی

در کتب و مقالات با عبارت فرهنگ پذیری هم به این عنوان پرداخته شده است. به این ترتیب که فرهنگ پذیری جریانی است که فرد تمام زمینه‌های فرهنگی را می‌شناسد و به طور عمیق می‌پذیرد و خود را با آن سازگار می‌سازد. در ادامه این جمله گفته می‌شود که دو فرهنگ پذیری داریم؛ یکسویه و دوسویه. یکسویه مثل انتقال فرهنگ از پدر و مادر به فرزند، دوسویه هم مثل مهاجرت و فرهنگ پذیری از طریق برخوردی‌های تاریخی اقوام و نهایتاً فرهنگ پذیری از طریق سلطه استعماری. در کتابی دیگر هم که این واژه به همین شکل ترجمه شده است، در آغاز اشاعه^۷ی فرهنگ را تعریف کرده است و با این جمله بیان کرده است که معمولاً به تاثیر فرهنگ‌ها بر یکدیگر اگر در زمان^۸‌های گذشته باشد، اشاعه فرهنگی می‌گویند. و همچنین در طول تاریخ و در کلیه مکان‌ها، امر اشاعه فرهنگ تحت تاثیر دو عامل تمایل و ارتباط بوده است. که در انتها گفته شده سه نوع اشاعه فرهنگی وجود دارد: اشاعه مستقیم، غیر مستقیم و اجباری [۷].

در اشاعه مستقیم واژه به این شکل تعریف می‌شود: اشاعه مستقیم (زمانی که دو فرهنگ در قرابت و مجاورت یکدیگر قرار می‌گیرند، مانند ازدواج، تجارت و ...) بطور مثال؛ مردمی که در مرزهای دو کشور کانادا و آمریکا زندگی میکنند هم‌هاکی بازی میکنند هم بیسبال. اولی بازی‌ای است که در کانادا به وجود آمده و دومی در فرهنگ آمریکایی جای دارد بعد از تعریف اشاعه، فرهنگ پذیری را تعریف کرده‌اند: فرهنگ پذیری یکی دیگر از عوامل دگرگونی فرهنگ است. تطابق یا هم‌نوایی عمیق فرد با هنجارها و موازین فرهنگی جامعه دیگر را فرهنگ‌پذیری می‌گویند. فرهنگ‌پذیری از رواج پدیده‌هایی نشئت می‌گیرد که بر اثر تماس مستقیم و غیر مستقیم بین گروه‌ها یا افراد با افراد و گروه‌های دیگر از فرهنگ‌های مختلف به وجود می‌آید [۳]. بشر برای برآوردن نیازها، احتیاجات، تکامل اندیشه‌ها، دانسته‌ها و کسب تجربه از یکدیگر از بستر تعامل بهره جسته است.

۱-۳-۴- ریشه تعامل فرهنگی

تعامل فرهنگی، بر اثر همجواری کشورها با یکدیگر، رفت و آمد ملت‌ها به کشورهای دیگر و مطالعه آداب و رسوم و سنن فرهنگ^۹‌های دیگر به وجود می‌آید و باعث می‌شود هر ملتی به نقاط ضعف و قوت و فرهنگ خود آشنا شود و بکوشد تا نقاط مثبت فرهنگ‌های دیگر را بپذیرد و نقاط منفی فرهنگ خود را اصلاح کند.

البته تعامل فرهنگی به معنای پذیرش هر امر به ظاهر مطلوب، زیبا، جذاب و دلنشین از فرهنگ بیگانه نیست، بلکه این پذیرش باید بر مبنای اصول و معیارهای ثابت و قطعی عقلی و دینی انجام گیرد. به عبارت دیگر، در تعامل فرهنگی باید با انگیزه، دقت و تخصص کافی به سوی پذیرش مشتقات فرهنگی سایر جوامع گام برداشت، زیرا هر گونه حرکت انفعالی در این زمینه ممکن است کیان فرهنگ یک ملت را مخدوش سازد. هیچ ملتی از فراگیری و استفاده از معارف سایر ملت‌ها در تمام زمینه‌ها از جمله فرهنگ و مسائلی که عنوان فرهنگ به آن اطلاق میشود، بی‌نیاز نیست و به همین دلیل تعامل و تبادل



فرهنگی، امری لازم و ضروری به شمار می‌آید. در طول تاریخ ملت‌ها در ارتباط خود با یکدیگر، آداب، سبک زندگی، خلقیات، علم و فن، چگونگی لباس پوشیدن، سخن گفت (زبان)، آداب معاشرت، معارف دین و... را از یکدیگر فراگرفته‌اند. این نحوه ارتباطی و تعاملی که تعامل فرهنگی نام دارد، مهم‌ترین نوع ارتباط ملت‌ها را در طول تاریخ تشکیل داده که گاه از تعامل و تبادل اقتصادی هم مهم‌تر بوده است. تعاملات فرهنگی بخشی از روابط خارجی میان ملت‌ها را میسازد، به ویژه اگر ملتی دارای هویت کهن و پیشینه فرهنگی قوی باشد، با حضور فعال در عرصه‌های فرهنگی در سایر ملل، زمینه مناسبی برای معرفی جلوه‌های فرهنگی خواهد یافت. در خصوص ضرورت تعامل فرهنگی در دنیای امروز باید گفت که تعامل فرهنگی باعث پویایی فرهنگ‌ها، شناخت جوامع از یکدیگر، تسهیل روابط ملت‌ها و دولت‌هاست و بستر مناسب برای صلح و امنیت جهانی بر پایه آن ایجاد می‌شود. تعامل فرهنگی امری اجتناب ناپذیر است، اقتضای درونی و ذاتی فرهنگ‌ها، بالیدن و رشد یافتن (کارایی درونی) به همراه میل به اشاعه و گسترش (کارایی بیرونی) آنهاست. کارایی بیرونی فرهنگ‌ها نیرومندترین عامل محرک تاریخ آینده خواهد بود که به صورت تعامل یا تعارض، آینده ملت‌ها را رقم خواهد زد. در این زمینه شناخت و پذیرش این که تعامل فرهنگ فرآیندی ایستا نیست، بلکه فرآیندی است پویا اهمیت دارد و با توجه به میزان آشنایی با هر فرهنگ، از استراتژی‌های مختلف برای تعامل باید استفاده کرد. برنامه‌ریزی کلان فرهنگی باید دارای رویکرد باز و غیرمتمرکز باشد و به شدت از رویکرد بسته، متمرکز و اقدارگرا پرهیز کند [۴].

۴-۲-۳- صورت‌های مختلف تعامل فرهنگی

اگر نگاه تبلیغاتی بر روابط فرهنگی حاکم باشد و در مبادلات فقط منتظر تأثیرگذاری باشیم، ممکن است نه در جنبه ترویج دیدگاه خودی موفق شویم و نه از سرمایه‌های فرهنگی ملل دیگر بهره ببریم. در صورتی که همه عناصر فرهنگی دو فرهنگ در ارتباط فرهنگی مشارکت کنند، نوعی برخورد و در نهایت تعامل صورت خواهد گرفت. در صورت مشارکت بعضی از عناصر هر دو فرهنگ تعامل توأم با تقابل و درگیری خواهد بود و در صورت عدم حضور همه جانبه عناصر یک فرهنگ و حضور همه جانبه عناصر فرهنگی دیگر، تعارض و تقابل وجود خواهد داشت [۷]. منظور از مبادله فرهنگی، اخذ و قبول علوم و آداب و تصرف در آنها و آمادگی برای تعلیم و نشر آموخته‌ها و دریافت آنهاست. در اینجا معامله‌ای صورت نمی‌گیرد و عقدی در کار نیست و اگر قومی امروز چیزی از قوم دیگر بگیرد، شادی چند قرن چیزی به آن قوم باز دهد و البته این هم به قصد ادای دین نیست، زیرا فرهنگ‌پذیری موقوف به تحقق قوه تمیز و نیروی طلب و شوق فراگرفتن در پذیرنده است. به عنوان مثال یادگیری یونانیان از مصریان و ایرانیان باستان، یادگیری علم و دانش در دوره بسط فرهنگ اسلامی از هند و یونان و یادگیری علم و دانش توسط اروپاییان در قرن سوم و چهارم هجری از مسلمانان از همین سنخ است.

۴-۴- رابطه فرهنگ و معماری

همان‌گونه که فرهنگ و تمدن دارای تغییر و تحول است معماری نیز چنین است. معماری دارای صورت و جوهر است. صورت معماری در طول زمان و مکان در شرایط مختلف تغییر می‌کند. دو نوع تغییر بر معمار مستولی است. تغییرات جبری که در اثر تحولات در دنیای تکنولوژی و مادی صورت می‌گیرد. معماری در این سیر به‌اجبار دستخوش تغییراتی شکلی و سازه‌ای می‌شود. اما تغییرات اختیاری به تغییر در بعد معنوی و روحانی انسان اشاره دارد یعنی انسان مختار است این تغییر را بدهد یا ندهد. بیشترین بحث هویتی مربوط به تغییرات اختیاری است، تغییرات ظاهری معماری ناشی از تحولات تمدنی است و تغییرات باطنی به تغییر اختیاری انسان و فرهنگ او بر می‌گردد. پس تحول در هویت و به تبع آن در معماری ناشی از تحول در انسان است. اگر بی‌هویتی در معماری مشاهده شود از تکنولوژی و تبعات آن نیست بلکه ناشی از تغییرات انسان است. انسان خوب معماری خوب می‌سازد و فرهنگ خوب می‌سازد [۷].

باید توجه داشت که معماری صرفاً یک ساختمان‌سازی نیست بلکه یک عمل فرهنگی در آن مستقر است که توسط نمادها و عناصر ذهنی و عینی رابط بین اندیشه و جامعه است، هنر معماری از بارزترین جلوه‌های فرهنگ هر قوم و هر دوره تاریخی و نمایشگر گویای فضای زیست آدمی است.

۴-۵- تعریف موزه



کلمه موزه مشتق از کلمه لاتین^۱ است که آن نیز از کلمه یونانی^۲ گرفته شده است و در اصل جایگاه و معبد موزه‌ها است. بنابراین اساطیر یونان باستان موزه‌ها یا (موس) ها الهه یونانی بودند که پدرشان ریوس و مادرشان منموسونه بوده که هر یک از موزه‌ها مظهر یکی از هنرهای تاریخ یونانی بودند مثلاً یکی الهه یا موزه شعر بود و دیگری موسیقی و دیگری تاریخ (زاهدی، حاجی‌ها، خامباشی، ۱۳۸۷). موزه یک واقعیت چندمنظوره‌ای در جهان ماست به این معنا که شامل فعالیت‌های پیچیده و چند جانبه‌ای می‌شود که مهم‌ترین محورهای آن گردآوری نمایش حراست حفاظت مرمت آموزش پژوهش معرفی و مهم‌تر از همه آن‌که تلاش برای ایجاد نوعی ارتباط بین بشر امروز و دیروز نوعی رابطه دیالوژیک بین احساس اندیشه و خرد و خیال انسانی که در محیط و فضای موزه با آثار مواجه می‌شود می‌باشد.

آیکوم شورای بین‌المللی موزه‌ها در یک تعریف رسمی بیان داشته است که موزه مؤسسه‌ای است دائمی و بدون هدف مادی که درهای آن به روی همگان گشوده شده است و در خدمت جامعه و پیشرفت آن فعالیت می‌نماید، هدف موزه‌ها در مورد شواهد برجای مانده از انسان و محیط‌زیست او و گردآوری و حفظ و ایجاد ارتباط بین این آثار به‌ویژه به نمایش گذاردن آن‌ها به‌منظور بهره‌وری معنوی است. موزه‌های گوناگون در هر سرزمینی ارائه‌کننده میراث‌های فرهنگی روزگاران گذشته است از این طریق است که می‌توان با مشاهده اشیاء و بررسی چگونگی موجودیت و عوامل ایجاد آن در بطن فرهنگ‌های گذشته به خاطر پربرتر کردن آتیه فرهنگی فرورفت و به پژوهش پرداخت از طریق آنچه در موزه‌ها در معرض دید قرار دارد زندگی انسان‌های ادوار گوناگون را از دیدگاه‌های مذهبی سیاسی اقتصادی هنری و غیره می‌توان تحقیق و بررسی کرد [۷]. از این‌رو حفظ و حراست از میراث فرهنگی و ارج نهادن به آن بر عهده یک نهاد اجتماعی عام‌المنفعه با عنوان موزه مستلزم ایجاد پایگاهی با کالبد مناسب و متناسب با محتوای مورد درخواست موضوعی قرار گرفت. پرواضح است که توفیق در این امر در نگاه کلی شامل پرداختن به دو مقوله اصلی به‌صورت مسئله است اول نگهداری اشیاء و الزامات آن و دوم پرداختن به معماری و کیفیت فضا و کمیت نمایش اشیاء و الزامات آن شناخته می‌شود. به همین منظور فاکتورهای بهینه‌سازی و ارتقای مقوله دوم همواره جزو دغدغه‌های طراح و موزه‌داران بوده و هست.

۴-۶- موزه و نقش آن در هویت بخشی جامعه

با توجه به نقش آثار فرهنگی و مصنوعات بشر ساز در حفظ و یا تغییر ارزش‌ها، هنجارها، پیش‌فرض‌ها، باورها و هویت فرهنگی اعضا جامعه حفظ این آثار و ابنیه فرهنگی از ضرورت‌های اساسی فرهنگ ملل و اقوام مختلف محسوب می‌شود. هویت فرهنگی در ارتباط و تماس با سنت‌ها و ارزش‌های ملل دیگر است که نوع و غنی می‌شود و امکان تعالی و شکوفایی انسان را افزایش می‌دهد. بنابراین توسعه و حفظ دستاوردهای فرهنگی منطقه‌ای و ملی ضرورتی تام دارد، چراکه دستاوردهای فرهنگی مطمئن‌ترین ضامن توسعه مستقل است، هویت فرهنگی را تقویت می‌کند و قوه خلاقیت و هر جامعه‌ای دارای فرهنگ خاص خود: آگاهی مردم را نسبت به میراث فرهنگی افزایش می‌دهد است که شالوده معماری آن جامعه را پایه‌گذاری می‌کند و معماری آن جامعه تصویر عینی آن فرهنگ می‌باشد [۸].

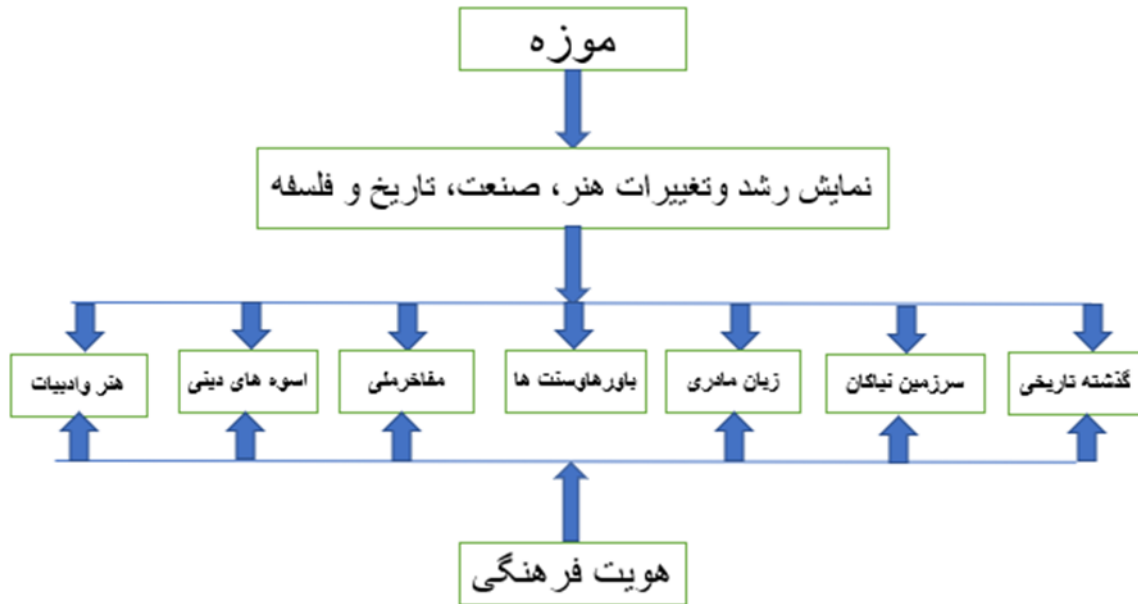
فرهنگ یکی از اجزاء اصلی تشکیل‌دهنده‌ی هویت ملی هر ملتی است و آثار و میراث فرهنگی به‌جای مانده و حفظ شده می‌تواند در حفظ و صیانت از هویت ملی ما و همچنین انتقال آن به دیگر فرهنگ‌ها و یا برای امری ضروری‌تر یعنی القای آن به صاحبان اصلی ملت‌ها کمک شایانی کند. در نتیجه این مقولات به این نکته می‌رسیم که موزه‌ها چه آنگاه که با نقش عام آن‌ها یعنی نگهداری از آثار ارزشمند تاریخی و چه به مفهوم کاربردهای جدیدتر و نوظهورتر مانند موزه‌ها، نقش به‌سزایی در انتقال و حفظ هویت ملی دارد. راه‌ها و روش‌های انتقال این مفاهیم می‌تواند به فراخور موضوع مورد کاربرد موزه متفاوت باشد اما همواره چنین است که موزه‌ها با استفاده از زبانی مشترک که مورد فهم برای تمام مخاطبین خود است می‌کوشد میراث دار فرهنگی باشد که متعلق با آن است. گشت‌وگذار در موزه‌ها بیننده را می‌تواند به درک چگونگی انتقال فرهنگ از گذشتگان به آیندگان قادر سازد و اقتباس فرهنگی در میان جوامع مختلف و شکل‌گیری تمدنی جدید را به آن‌ها بشناساند و به آن‌ها این

^۱ museum

^۲ musyon



فرصت را دهد که به آگاهی‌های فرهنگی که از دیدار موزه حاصل می‌شود طرح بنای تازه‌ای را از دست آوردها و ارزش‌های نوین و فرهنگ پی افکند [۸].
به‌طور کلی می‌توان ارتباط میان موزه و هویت فرهنگی را در قالب دباگرام زیر بررسی کرد:



نمودار ۱-ارتباط میان موزه و هویت فرهنگی

۴-۷- معماری موزه

معماری ظرفی است برای نمایش فرهنگ، تاریخ، هنر و به‌طور کلی هویت یک قوم یا ملت، حال بحث بر سر چگونگی طرح این ظرف برای مظلوفش می‌باشد. یکی از ویژگی‌های مهم معماری سنتی ایران و حتی سایر کشورها یکی بودن فضای معماری به‌عنوان ظرف و اتفاقات درون آن فضا به‌عنوان مظلوف می‌باشد. اما این تعادل با بروز مدرنیته و صنعت و ماشین و با تغییر چهره معماری سنتی به معماری مدرن از بین رفته است، خصوصاً در مورد موزه که ذاتاً فضای کالبدی نسبتاً مدرنی، به صورتی که امروزه با آن مواجه ایم، امروزه، مشکل اساسی اکثر موزه‌ها این است که کالبد آن و به عبارتی ظرف، تناسبی با مظلوف یا اشیایی که در آن فضا به نمایش گذارده می‌شود ندارد. فضای مدرنی که میراث فرهنگی و تاریخی در آن به نمایش گذارده می‌شوند [۹].

۴-۸- تکنولوژی

تحولات نیمه دوم قرن بیستم به قدری گسترده و عظیم بود و با چنان سرعتی پیش می‌رفت که به نظر می‌رسد توسعه و پیشرفت تکنولوژی در دو دهه اخیر به اندازه تمام طول تاریخ باشد. اگر زمانی دانشمندان علوم مدیریت و رهبران حکومتها مؤلفه‌های سیاسی، فرهنگی / اجتماعی، اقتصادی و نظامی / امنیتی را به عنوان شاخص‌های برتری جوامع می‌شمردند، اما امروز عامل تکنولوژی به لحاظ اهمیت و اولویت، اصلی‌ترین و محوریت‌ترین عامل و اولویت است. تکنولوژی اساساً مجموعه‌ای از ابزارهاست که گسترش اختیارات انسان را فراهم ساخته و بشر همیشه به تکنولوژی وابسته بوده است. تکنولوژی یعنی توانایی ابزارسازی و اکنون مبنایی است برای تولید ثروت بیشتر از طریق افزایش بهره‌وری. برنارد گندرن می‌نویسد: تکنولوژی به هر دانش عملی نظام یافته‌ای اطلاق می‌شود که بر تجربه و یا نظریه عملی مبتنی باشد و توان جامعه را در تولید کالاها و خدمات افزایش دهد و در قالب مهارت‌های تولید و سازمان‌ها یا ماشین‌آلات تجسم یابد [۹]. جوس اورتگا گست دو هدف از تکنولوژی بر می‌شمارد، اول برای حفظ کردن زندگی ارگانی که تنها در طبیعت وجود دارد با تطبیق زندگی شخصی با محیط، دوم برای رواج دادن زندگی خوب، که با تطبیق محیط با زندگی شخصی حاصل می‌گردد. او میان تکنولوژی که برای بقای زندگی است



با تکنولوژی که نتیجه قصد و آرزوست، تمایز قائل میشود. همچنان که تکنولوژی باعث تغییر شکل طبیعت می شود، باعث تغییر شکل رفتار و انگیزه در انسان و جامعه میشود. انسان مدرن، انسان تکنولوژی است که رفتار و انگیزه های او با انسان ماقبل آن بسیار متفاوت است و از آنجایی که ماهیت تکنولوژی تعرضی است؛ لذا انسان مدرن مسخر تکنولوژی است. در واقع این تعرض ها به طبیعت، انسان ها را هم برای نظم و نظام بخشیدن به این منبع ذخیره (طبیعت) به دور هم جمع می کند. اکنون هایدگر نام آن تعرضی چه انسان ها را به خود «آشکار کننده» دور هم جمع می کند تا عنوان منبع ذخیره نظام بخشد، گشتل می نامد [۱۰].

۹-۴- تکنولوژی و معماری

معماری واژه‌ای است که در طی سالیان، تعاریف بسیاری برای آن مطرح گردیده است چه برای صحبت کردن درباره آن، شناخت دقیق حد و مرزها به انسان چه خواهد کرد. اما حوزه های معماری مرزهای فرار فراوانی دارند؛ لذا تعریف دقیق آن بسیار مشکل است. اما می‌توان به نظرات برخی دانشمندان درباره آن نگاهی اجمالی و مختصر کرد. ویلیام کورتیس: بیان سه بعدی رفتار انسانی - لوکوربوزیه: ماشین زندگی - کریستسن نوربرگ شولتز (با بهره گیری از نظرات هایدگر): هنر ساختن مکان - دایره المعارف بریتانیکا: علم و هنر ساختمانسازی تشکیل شده از سه عامل پایداری، کارایی و زیبایی - ویتروویوس معماری را شامل سه حوزه هنر ساختمان، ساخت ساعت و ساخت ماشین می‌داند. ایسلر در ۱۹۹۷ میلادی «معماری برخاسته از فن آوری است و به سوی هنر شکل آفرین در خلق فضاهایی برای اسکان فعالیت‌های بشری گام برمی‌دارد» با این بررسی و نگاه اجمالی مشخص می‌شود چه توافق همگانی در تعریف معماری و ماهیت آن وجود ندارد. اما چگونگی شکل‌گیری معماری از مشغولیات ذهنی بزرگ معماران است. یکی از بنیان‌های این شکل‌گیری، اولین مسکن ساخته شده توسط بشر است. قدیمی‌ترین نظر در این مورد مربوط به ویتروویوس است. او در نوشته‌هایش دستیابی به نظم در ساخته‌های بشوری را ناشی از منطق و شیوه اندیشه انسان نمی‌داند، بلکه از نظر او تقلید از طبیعت و بدن انسان باعث بوجود آمدن این نظم شده است. کم کم پیشرفت‌های تکنولوژیکی ابداع روش های جدید یا پیدایش مصالح جدید با مقاومت بالا امکاناتی فراهم کرد تا ساختمان ها از قید و بند بکارگیری مصالح رها شوند پس معماری از اصل خود، یعنی تکنولوژی زاده شد. بطور مثال میس وندروهه کسی بود چه با قدرت تمام بدعت را آغاز کرد. با وجود اینکه در آن زمان تکنولوژی به اندازه امروز پیشرفته نبود، اما او با عریان ساختن تیر و ستون‌ها، استفاده از خرپاهای نمایان روی بام، قاب‌های فضایی نمایان، دهانه‌های وسیع و استفاده از شیشه به ابعاد بی سابقه، فضاهای گشوده و پیوسته و شفاف پدید آورد. این معماری مدرن بعد از جنگ جهانی دوم با اعتقادی که به تکنولوژی و فنون جدید داشت، مسیری برای رسیدن به سبک‌های-تک باز کرد سبک‌های-تک، تکنولوژی را مهم‌ترین دستاورد مدرنیته و آن را عامل توسعه و پیشرفت و مشخصه اصلی قرن بیستم می‌داند. معماران‌های-تک، با خوشبینی به علم، تکنولوژی را در ساختمان به نمایش گذاشتند. مثل نمایش فرآیند اجرا و ساخت بنا، نمایش اجزای سازه ای و تاسیساتی و بهره گیری از سازه به عنوان نیرویی زیبایی بخش در ساختمان عصر سلطه صنعت در معماری مدرن تبدیل به فراصنعت در دوره پست مدرن شد و اهمیت دادن به تکنولوژی و صنعت در معماری تداوم یافت. در دنیایی چه امروزه بشر در آن زندگی می‌چند، تکنولوژی از تاثیرگذارترین امور بر تمام شئون زندگی است. معماری نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد. چنانچه ذکر شد، پس از ورود تکنولوژی به دنیای معماری، تحولات اساسی در آن پدید آمد و روز به روز با پیشرفت تکنولوژی، دنیای معماری نیز دگرگون می‌شود. بکارگیری تکنولوژی های مدرن سبب شده تا معماری هر چه بیشتر مستقل از عناصر محیطی و فضای پیرامون آن گردد و باعث شده تا معماری بیشتر شبیه ماشین شود «در این صورت دیگر معماری به عنوان ساختاری برای تغییر جهت تکنولوژی به سوی مفهومی بشری چه حائز ارزش های مکانی باشد، نمی‌تواند عمل کند» با پیشرفت تکنولوژی و باز شدن دست معماران برای استفاده از مصالح جدید و فضاهای جدید، کم کم فضاهای معماری در حال تغییر هستند زمانی خشت و آجر تنها مصالح بودند و معمار ناچار بود دیوار های ضخیم بسازد چه قابلیت تحمل بارهای وارده را داشته باشند. اما در دنیای امروز و ورود هر روزه مصالح جدیدتر، کوچکتر و سبک‌تر، شکل‌گیری فضاها دچار تحول می‌شوند. امروزه به جای دیوارهای کلفت آجری چه هم سنگین بودند و هم فضای مفید فراوانی را هدر می‌دادند، می‌توان دیوارهای سب با ضخامت های بسیار



کم ساخت و فضای داخلی را با انواع مصالح جدید مثل پلاستی، شیشه‌های مات و بسیاری مواد دیگر از هم جدا کرد. این یک مثال بسیار ساده در این زمینه بود و بسیار موارد قابل ذکر دیگری وجود دارد که مجال آن در نوشته حاضر نیست. استفاده از این مصالح جدید، محاسن بسیار زیادی دارد چه تعداد اندکی از آن‌ها ذکر شد، اما واقعیت اینجاست که استفاده از این مصالح در همه جای کره زمین باعث شده همه معماری‌ها شبیه به هم باشند، بدون توجه به اقلیم، فرهنگ و موارد دیگر. به عنوان مثال در کشور خودمان ساختمان‌های بسیار زیادی ساخته شده و می‌شوند، با اشکال و مصالحی که هیچ‌سختی با آب و هوا، فرهنگ یا خصوصیات ایران ندارند. متأسفانه در شهر اکثر شهرها بدون توجه به خطر همیشگی زلزله، آفتاب تند و هوای گرم و رعایت حریم‌ها و همجواری‌ها، ساختمان‌های سراسر شیشه‌ای به صرف تقلید از معماری مدرن و استفاده از تکنولوژی برتر ساخته می‌شوند، در حالیکه می‌توان از همین تکنولوژی‌های برتر، بسیار صحیح‌تر استفاده کرد، مثلاً از مصالح، مقاوم، نشکن، عایق و دارای سایر خصوصیات مفید دیگر [۱۱]. اگر قصد معماران، بوجود آوردن معماری است چه در عین حرکت به سوی جلو و استفاده از صنایع و مصالح پیشرفته و جدید، به نیازهای مردم همه نقاط دنیا، پاسخی در خور بدهد، باید در چنان استفاده از تکنولوژی‌های نو، به سنت، فرهنگ، اقلیم و تمایلات و تمایزات مردمان هر منطقه هم توجه لازم و کافی را مبذول دارند. استفاده از تکنولوژی‌های جدید نباید باعث شوند چه معماران بدون توجه به شرایط کشور خود، هر نوعی از مصالح یا هر نوعی از تکنولوژی‌های پیشرفته را بدون دخالت دادن موارد ضروری اقلیمی، فرهنگی و مذهبی خود بکار گرفته و استفاده از آن‌ها را کورکورانه تبلیغ کرده و رایج کنند. اکنون چه بشر با این امکانات گسترده تکنولوژی و صنعت در عصر ارتباطات روبروست، بهتر است از آن در جهت گردآوری متخصصین و معماران استفاده کرده و امکان استفاده از بهترین‌ها را برای همگان فراهم آورد.

۴-۱۰- نگاه معنوی، راه حل برخورد با تکنولوژی

با اینکه به نظر می‌رسد تکنولوژی نیروی محرکه جهان در چند قرن اخیر بوده است و زندگی انسان‌ها را دگرگون کرده، اما نکته حائز اهمیت این است که هیچ‌جبری در کار نیست. قاعدتاً نباید هر نوع تغییرات تکنولوژی‌نسنجیده پذیرفته شد. تکنولوژی در بهترین حالت هدف نیست بلکه ابزار است. به هر حال تکنولوژی‌های جدید به رشد انسان کم می‌کنند. اما اگر کسی حس می‌کند تکنولوژی او را احاطه کرده، دلیل آن تکنولوژی نیست بلکه انتخاب‌های آگاهانه یا ناآگاهانه اوست. دلیلی وجود ندارد که تکنولوژی لزوماً بر زندگی انسان حاکم شود. انسان باید از جنبه‌های ابزاری تکنولوژی که برای رسیدن به هدف-هایش او را یاری می‌دهد استفاده کند و جنبه‌هایی را که نیاز ندارد یا نمی‌پسندد، کنار بگذارد. سؤالی که در حال حاضر مطرح می‌شود این است که وقتی نوعی از تکنولوژی وارد جامعه‌ای می‌شود، برخورد با آن چگونه خواهد بود یا چگونه باید باشد؟ به نظر می‌رسد که مهم‌ترین عامل، سرشت جامعه‌ای است که تکنولوژی به آن وارد می‌شود. با یک تکنولوژی واحد می‌توان به مسیرهای مختلفی قدم گذاشت «این فی نفسوه نه خود تکنولوژی بلکه نظم اجتماعی و سوویاسووی پیرامون تکنولوژی است که مسیر زندگی ما را تعیین می‌کند» [۱۲]. تصمیم‌گیری‌های دشوار مربوط به پذیرش یا عدم پذیرش هر نوعی از تکنولوژی باید به صورت قضاوت‌های جمعی متکی به نظام ارزشی هر جامعه باشد. توسعه سالم و پایدار هر جامعه به نظام ارزشی آن وابسته است و هیچ‌عامل دیگری نباید نقش تعیین‌کننده داشته باشد هر تکنولوژی چه وارد یک جامعه می‌شود باید از صافی سلیقه‌های فرهنگی و نظام‌های ارزشی آن جامعه بگذرد. «ضرورت حفظ حاکمیت تمام عیار تکنوامپراطور در گرو نفی تمامی ارزش‌ها و مبانی عقیدتی است و پایبندی به ارزش‌های معنوی و اعتقاد به قدرتی ماورای جهان مادی، نوعی مصونیت را در انسان‌ها پدیدار می‌سازد که از انقیاد کامل و اسارت مطلق در برابر ایجابات و توقعات تکنوامپراطور ممانعت به عمل می‌آورد» [۱۳]. یعنی در واقع طیف کاملی از قلمرو حیات انسان وجود دارد چه تکنولوژی هرگز نمی‌تواند آن را مطیع خود کند. به این بعد از حیات انسان‌ها معنویت گفته می‌شود. معنویت بدلیل آن که یک حس تعالی به مردم می‌دهد و وسیله‌ای است برای غلبه بر تنگناهای وجودی، هنوز هم مسئله مهمی است. با وجود تغییرات گسترده تکنولوژی در سال‌های اخیر و حتی انقلاب‌ها و طغیان‌های بزرگ اجتماعی، فروپاشی و ریشه‌کنی نظام‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی در جهان، دین‌های بزرگ هنوز به حیات خود ادامه می‌دهند و پا بر جا مانده‌اند. مردم در همه اعصار به شکلی از دین یا ایمان نیاز دارند چون ناخودآگاه در ذهن



آن‌ها وجود دارد و مواقعی که برای تنگناهای وجودشان هیچ راه حل فنی نمی‌یابند، به دین پناه می‌برند. ادیان از طریق مناسک، نیایش و عبادت و حس تعالی و نیازهای معنوی را برآورده کرده‌اند که هیچگاه تکنولوژی از عهده آن‌ها بر نمی‌آید. اساس بحث این نیست چه انسان مدرن باید علم و تکنولوژی را رها کرده و به دین پناه ببرد، بلکه مسله این است که تکنولوژی فقط با بخشی از زندگی و وجود انسان سروکار دارد، در حالی که مسائل بسیار مهم دیگری مثل فرهنگ، ارزش‌ها، دین و معنویت هم وجود دارد. تکنولوژی فقط یک ابزار است که می‌تواند به انسان برای رسیدن به زندگی ساده همراه با آسایش یاری برساند اما نمی‌تواند آینده آرمانی را به انسان‌ها نشان دهد. تکنولوژی با نگاه آسمانی به آن با همراهی کلام وحی می‌تواند ترسیم کننده چارچوب راه برای رسیدن به ی زندگی آسان و آرام باشد. با پیوند نگاه زمینی و آسمانی به تکنولوژی می‌توان نظام سعادت را با نظام معیشت پیوند زد. در این صورت هم رفاه مادی و هم سعادت اخروی حاصل خواهد شود حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا ممکن است تکنولوژی را با معنویت جمع کرد؟ یعنی هم می‌توان معنویت را حفظ کرد و هم از تکنولوژی استفاده کرد؟ به عبارت دیگر چگونه می‌توان تکنولوژی را که بنیان غربی دارد و هدف آن مادی و متوجه تسخیر و سلطه بر طبیعت است، با معنویت (که به نظر می‌رسد از شرق تجلی پیدا کرده) و هدف آن روی آوردن به ماوراء و اعتقاد به قدرت برتر خداوند است، همراه کرد و به این ترتیب به آن اصالت داد؟ هم تکنولوژی و هم معنویت دارای یک فرهنگ مخصوص به خود هستند: فرهنگ تکنولوژی و فرهنگ معنویت بدین ترتیب دو فرهنگ روبروی هم قرار می‌گیرند، فرهنگ غربی و فرهنگ شرقی. حقیقت غرب و به تبع آن فرهنگ ملازم با تکنولوژی، مقبل به دنیاست و اساس تکنولوژی روی به دنیا دارد. لذا اگر فرهنگ پذیرنده تکنولوژی، فرهنگ و معارف (صرفاً) شرقی باشد، از آنجا که حقیقت شورش، انصراف و رویگردانی از دنیاست و متوجه به درون و عوالم قدسی است، بین آن دو تباین و تضاد حاکم خواهد بود. لذا جمع بین آن دو ممکن نبوده و خواست تکنولوژی همراه با معنویت صرفاً شرقی، تمنایی محال است. اما در حقیقت باید پذیرفت چه معنویت صرفاً شرقی نمی‌تواند جوابگوی نیاز دنیای امروز باشد، از طرفی هم نمی‌توان فقط از جنبه‌های مادی تکنولوژی استفاده کرد، بدون توجه به روح معنویت. پس تمنای جمع بین معنویت و تکنولوژی، در واقع، فراخوانده شدن از سوی یک سنخ دیگر معنویت است که صرفاً شرقی نیست [۱۳].

بدین ترتیب شاید بتوان با تغییر دادن نوع نگاه به تکنولوژی و معنویت، این دو را جنبه‌هایی از وجود آدمی ببینیم، به عنوان جنبه ظاهری (تکنولوژی) و جنبه باطنی (معنویت) همانطور که انسان در زندگی سعی دارد از هر دو جنبه وجود خود استفاده کند تا راه کمال را بییابد، می‌توان با همراه کردن تکنولوژی و معنویت با هم، جهان را به سوی کمال پیش برد به نحوی که آسایش و آرامش برای همگان در سایه همراهی تکنولوژی و معنویت پدید آید. به امید آنکه درک درست از تکنولوژی، پیامدها و محدودیت‌های آن به انسان‌ها در جستجوی آینده بهتر کم کند.

۵- یافته‌های آماری تحقیق

پس از توزیع پرسشنامه‌های پژوهش به تحلیل داده‌های حاصله پرداخته شد. در ابتدای با استفاده از کدگذاری مناسب هریک از سوالات از حالت کیفی خارج و بصورت کمی تبدیل شدند که قابل تحلیل با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss باشد. برای بررسی هریک از متغیرهای پرسشنامه از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد و نتایج در سطح اطمینان ۹۵ درصد بیان گردید.

جدول ۱ به بررسی متغیر اهمیت موزه‌ها می‌باشد که از تحلیل پرسشنامه‌ها به دست آمده است.

جدول ۱: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی متغیر اهمیت موزه

کمران بالا	کمران پایین	اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره تی	اهمیت
۴/۶۸	۴/۴۱	۴/۵۴	۰/۰۰	۱۰۳	۶۶/۷۳	اهمیت



مطابق جدول ۱ نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد از نظر هر سه گروه پاسخ دهندگان اهمیت موزه هنرهای اسلامی به طور معناداری بیشتر از حد متوسط است ($p < 0/05$).
در جدول ۲ به بررسی تاثیر متغیر کاربرد و نقش موزه‌ها پرداخته است.

جدول ۲: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی متغیر کاربرد موزه‌ها

کاربرد	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	کران پایین	کران بالا
کاربرد	۸/۹۷۶	۱۰۳	۰/۰۰	۱/۶۰	۱/۲۵	۱/۹۶

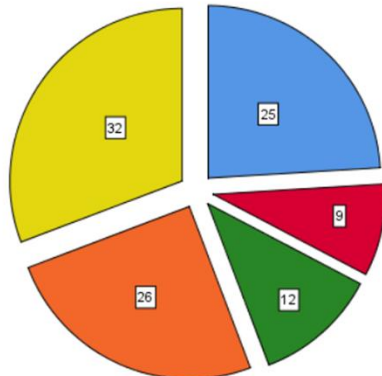
مطابق جدول ۲ نتایج نشان داده است که هر سه گروه از پاسخ دهندگان کاربرد و نقش موزه‌ها را بطور معناداری بالاتر از حد متوسط توصیف کردند ($p < 0/05$).
جدول ۳ به بررسی نظرات نمونه‌های آماری در رابطه با کاربرد انواع تکنولوژی و اهمیت آن در موزه‌ها پرداخته شد.

جدول ۳: نظرات نمونه‌های آماری در رابطه با کاربرد انواع تکنولوژی

تکنولوژی	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	کران پایین	کران بالا
تکنولوژی	۱۹/۴۶	۱۰۳	۰/۰۰۰	۳/۹۱	۳/۵۱	۴/۳۱

مطابق جدول ۳ نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد آزمودنی‌ها به طور معناداری بطور معناداری استفاده از انواع تکنولوژی را در موزه، مناسب معرفی کردند ($p < 0/05$).
برای بررسی سوال "تکنولوژی در کدام یک از موارد زیر می تواند به بهترین شکل ممکن با موضوعیت بنا ترکیب شود" از آمار توصیفی استفاده گردید و نتایج در نمودار ۲ بیان شده است. مطابق نمودار ۲ بیشتر پاسخ دهندگان استفاده از تکنولوژی را در فرم داخلی و بیرونی بنا پیشنهاد دادند.

استفاده در نمای طرح
استفاده در نمای انرژی بنا
جلوگیری از حدر رفت انرژی در بنا
نمایش دیوارهای اصلی
استفاده در فرم بیرونی و داخلی بنا



نمودار ۲- دیدگاه‌های پاسخ دهندگان نسبت به تکنولوژی

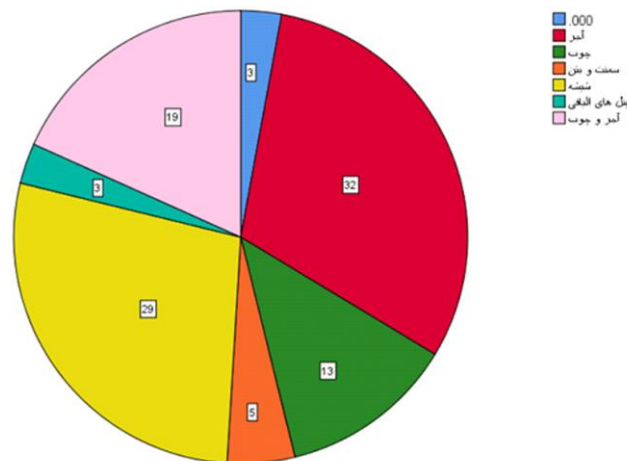


نتایج حاصل از بررسی وجود گنبد در نمای موزه در جدول ۴ بیان شده است.

جدول ۴: نتایج حاصل از بررسی وجود گنبد در نما

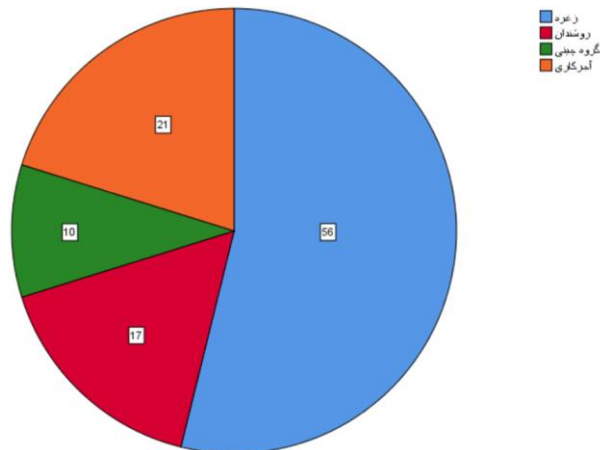
کرن بالا	کرن پایین	اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره تی	گنبد
-۱/۳۷	۲/۰۴۶	-۱/۷۱	۰/۰۰۰	۱۰۳	۱۰/۱۳۷	-

مطابق جدول ۴ نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داده است اکثر پاسخ دهندگان به طور معناداری مخالف وجود گنبد در نمای موزه می‌باشند. نتایج حاصل از نظر پاسخ دهندگان در خصوص استفاده از نوع متریال در خصوص موضوعیت بنا در نمودار ۳ آورده شده است.



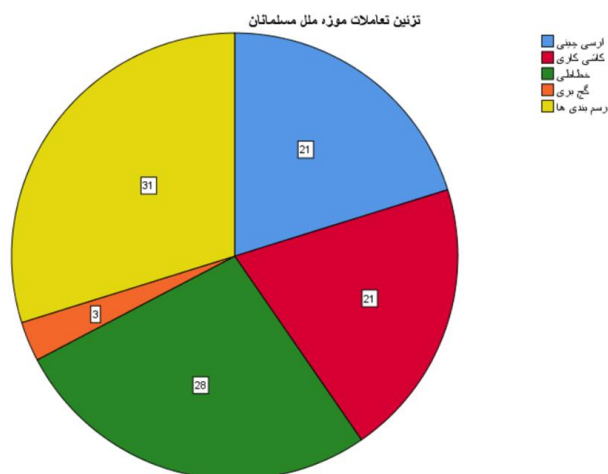
نمودار ۳: نظرات پاسخ دهندگان در خصوص استفاده از نوع متریال در بنا

مطابق نمودار ۳ بیشتر پاسخ دهندگان (۳۹ درصد) به استفاده از متریال آجر در نمای ساختمان اشاره کرده اند که بیشترین فراوانی را دارد. استفاده از شیشه با فراوانی ۲۹ درصد بعنوان دیگر متریال پیشنهادی مورد استفاده در بنا بود. نتایج حاصل از پاسخ نمونه‌های در خصوص عنصر تزئین در معماری و هنر اسلامی در نمودار ۴ آورده شده است.



نمودار ۴: فراوانی هریک از عناصر تزئین در معماری و هنر اسلامی از نظر پاسخ دهندگان

نتایج حاصل از تزئین تعاملات موزه ملل مسلمانان در نمودار ۵ نشان داده شده است.



نمودار ۵: فراوانی هریک از عناصر تزئین تعاملات موزه ملل مسلمانان از نظر پاسخ دهندگان

مطابق نمودار ۵، ۳۱ درصد از پاسخ دهندگان به استفاده از رسم بندی‌ها در موزه اشاره نمودند. نتایج حاصل بررسی استفاده رواق و انواع تکنولوژی در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵: نتایج از آزمون تی تک نمونه‌ای در خصوص استفاده رواق و تکنولوژی در موزه

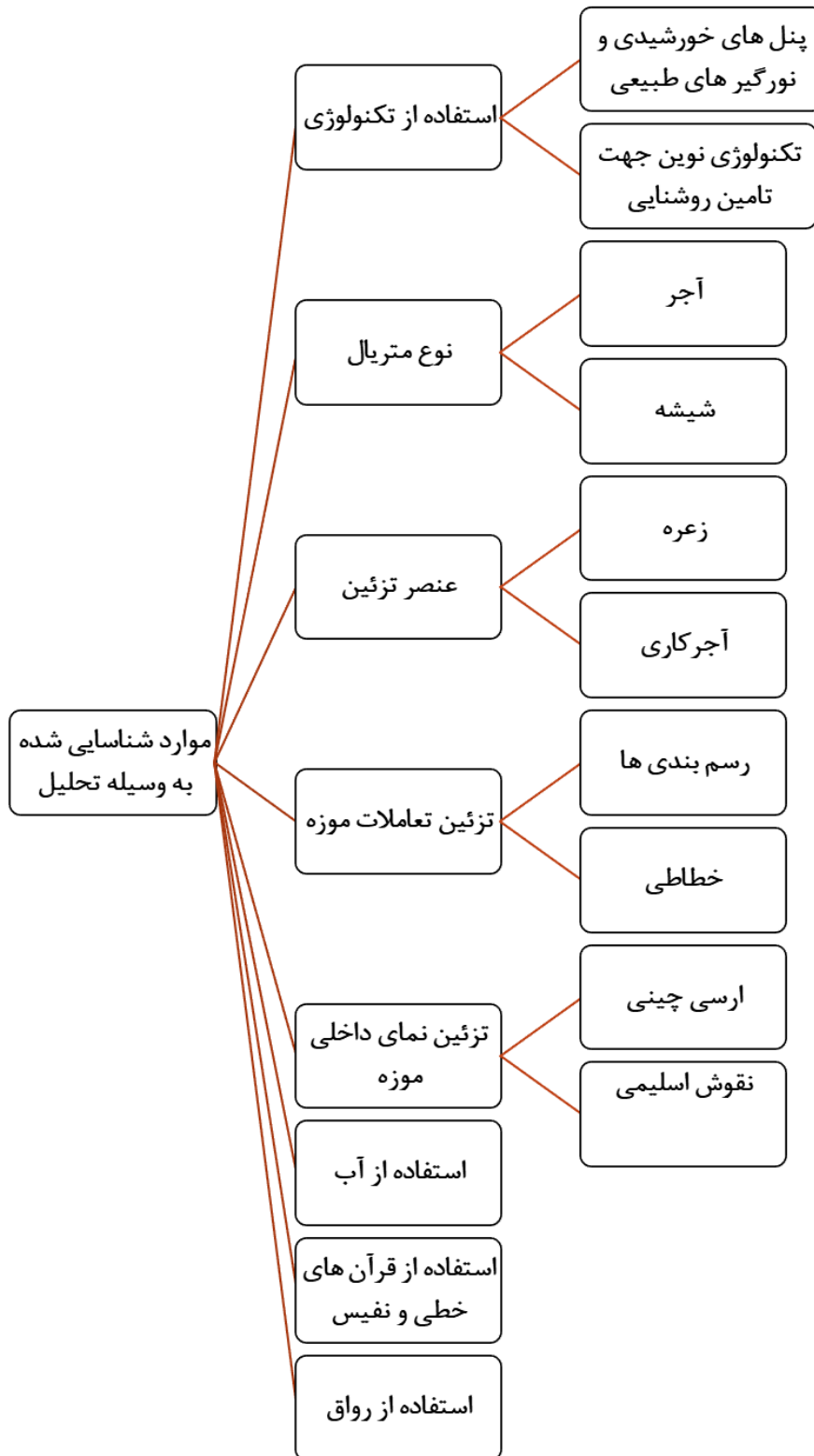
کمران بالا	کمران پایین	اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره تی	استفاده رواق و تکنولوژی
۲/۸۷	۲/۶۶	۲/۷۶	۰/۰۰۰	۱۰۳	۳۰۵/۵۰	

مطابق جدول ۵ آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد استفاده رواق و تکنولوژی به طور معناداری در موزه پیشنهاد شده است.



۷- نتیجه گیری

هر جامعه‌ای دارای تاریخ، آداب و رسوم، عقاید، ادبیات، هنرها و آثار فرهنگی منحصر به خود می‌باشد که آن را از سایر جوامع متمایز ساخته و هویت فرهنگی آن جامعه را تشکیل می‌دهد. حفظ، زنده نگاه داشتن و توجه به میراث فرهنگی، مستلزم شناخت و شناساندن این میراث گران قدر به اعضای جامعه، به خصوص نسل جوان و نوجوان کشور می‌باشد. وجود موزه‌ها برای مرمت و نگهداری آثار فرهنگی به جامانده از تمدن‌ها و اقوام ایرانی، می‌تواند علاوه بر تقویت هویت ملی و فرهنگی اعضای جامعه، ضامن بقای فرهنگ ایرانی برای نسل‌های کنونی و آینده باشد. امروزه موزه‌ها و مراکز فرهنگی در ارتقای دانش بشری و نیز گسترش علم و پایدارسازی آموزش که به تعبیری آموزش مستمر است، یکی از نهادهای اجتماعی مؤثر به شمار می‌روند. پس در طراحی موزه‌ها به عنوان یک مرکز فرهنگی و آموزشی بایستی تناسب طرح‌های معماری، همگون با هویت فرهنگی منطقه در نظر گرفته شود، در این صورت موزه می‌تواند به عنوان یک مرکز فرهنگی نقشی مؤثر در حفظ و تقویت هویت فرهنگی داشته باشد. نتایج حاصل از پرسشنامه و تحلیل‌های نگارندگان در جهت استفاده از تکنولوژی در طراحی موزه تعاملات فرهنگی در نمودار زیر جمع بندی شده است.



نمودار ۶: جمع بندی نتایج حاصل از پرسشنامه



مراجع

- [۱] میرزایی، کرم، و نادعلیان، احمد. (۱۳۸۸). مطالعه موردی شش اثر هنر جدید در موزه هنرهای معاصر تهران. نگره، ۴(۱۳)، ۹۳-۱۰۵.
- [۲] لنگری زاده، مهسا و شقاقی، شهریار و دشتی، علی، ۱۳۹۲، بررسی و تبیین جایگاه موزه ها در ترویج هویت و فرهنگ ایرانی - اسلامی، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین.
- [۳] دشتی زاده، مریم و جوانی، اصغر، ۱۳۹۵، هنر اسلامی در موزه های غرب: نقدی بر رویکرد شرق شناسی، همایش بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی.
- [۴] شجاعی، محمد و شایانفر، فرزانه، ۱۳۹۷، طراحی موزه هنرهای اسلامی با نگرش به مبانی هنرهای اسلامی در شهر مشهد (برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد)، دومین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی، شیروان.
- [۵] Ferwati, . Salim. (۲۰۱۳), The International Journal of the Inclusive Museum Volume 6.
- [۶] Rashid, M. (۲۰۲۰). Islamic Architecture: An Architecture of the Ephemeral, Downloaded from: <http://hdl.handle.net/1808/30156>.
- [۷] اسدالهی، شکوه سادات و کیانی، مصطفی، ۱۳۹۹، ورود تکنولوژی و صنعت به ایران و بازتاب مولفه های آن در شکل گیری معماری معاصر ایران در سال های ۱۳۰۴-۱۳۵۷، فصلنامه معماری شناسی، دوره: ۴، شماره: ۱۸.
- [۸] علیزاده باغبانان، مینا و پیری، سعید و فروتن، منوچهر، ۱۳۹۵، موزه های نوین و تعامل آنها با مخاطبین با رویکرد اجتماعی، دومین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، تهران.
- [۹] فصیحی، رعنا و ستاری ساربانقلی، حسن، ۱۳۹۳، نقش موزه و معماری آن در هویت بخشی فرهنگی، همایش ملی معماری، عمران و توسعه نوین شهری، تبریز.
- [۱۰] قربانی، ترنم و سیدیان، سیدعلی و رحیمی، روح اله، ۱۴۰۱، بهره گیری از کهن الگوهای معماری ایرانی در معرفی هویت فرهنگی (طراحی موردی: طراحی سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران در فرانسه)، دومین کنفرانس بین المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز.
- [۱۱] محمودزاده اصل، مریم و خورسند، کیاوش و کیوانی، نوید و خوشنود، یونس، ۱۳۹۶، طراحی موزه های اسلامی-ایرانی شهرهای جنگ زده با تاثیر زمینه گرای (نمونه موردی: خرمشهر)، دومین کنفرانس بین المللی مهندسی عمران، معماری و مدیریت بحران، تهران.
- [۱۲] منصور، رضوانه و طهوری، نیر، ۱۴۰۰، مطالعه تطبیقی مفهوم «هویت» در معماری سنتی ایران و آثار معمار معاصر نادر اردلان (مورد پژوهی: مرکز مطالعات مدیریت دانشگاه هاروارد)، پنجمین کنفرانس بین المللی عمران، معماری و مدیریت شهری.
- [۱۳] براتی، ناصر، و کاکاوند، الهام. (۱۳۹۵). کندوکاوی پدیدارشناسانه در راستای شناخت یک انگاره کهن در معماری ایرانی-اسلامی. باغ نظر، ۱۳(۴۲)، ۵-۱۸.